

# مذهب و انسان

آئین محبت بـود آئینه یزدان

راه دگرت نیست بجز مشرب انسان

عقل و خردت راه نماید به تعالی

تو جنس فلک تازی و نی همسر حیوان

بغض و حسد و کینه شراریست جهان سوز

با ظلمت اندیشه نیابی ره احسان

گر حرص بورزی زپی مکن و ثروت

هم غاصب حق گردی و هم ظالم دوران

از خیره سری درپی تفریق و دو راهی

بر باد رود ملت آشفته و حیران

پا بسوس هوس راحت و آرام ندارد

قارون چو بود چشم گدایش همه حرمان

وارستگی هر دو جهان نیست بری جز

با مذهب انسانیت و عشق به انسان